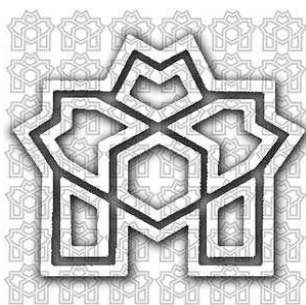


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۶.



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

نقش قدرتهای بزرگ در شکل گیری روند صلح میان فلسطین و اسرائیل
با محوریت ایالات متحده امریکا

استاد راهنما:

دکتر اصغر جعفری ولدانی

استاد مشاور:

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی

نگارش:

امیر مسعود طالبی

پایان نامه جهت اخذ دریافت درجه کارشناسی ارشد، روابط بین الملل

تابستان ۱۳۸۹

پاسکزاری؛

نخارش این رساله را به پروردگاری همتا و دانای یونم که خواست و اراده‌ی او بالاترین خواست و اراده‌ی است و همواره آرامش حضورش،
پشتوانه‌ای برای گذراندن روزهای سخت به امید رسیدن به آلمان مایم بوده و هست.

در راستای انجام این تحقیق، همواره مورد لطف و عنایت عزیزانی بوده‌ام که بر خود لازم می‌دانم مراتب قدردانی خود را نسبت به آنها برابر از
مایم.

با خالصانه‌ترین مراتب تقدیر و تشکر از:

– اساتید ارجمند راهنا و مشاور، جناب آقای دکتر اصغر جعفر ولدانی و جناب آقای دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی که همواره طی این
پژوهش دلسوزانه دانش و تجربیات ارزنده خویش را جهت به سرانجام رسیدن این پژوهش در اختیار اینجانب قرار دادند.

تقدیم به:

او که در امر هدایت بندگان، به قلم، این ابزار رشد و تعالی بشریت قسم خورد.

به پدر و مادر مهربان و زحمتکشتم که وجودشان برایم همه عشق بود و وجودم برایشان همه رنج. توانشان رفت تا به توانایی برسم. وجودشان سپیدی گرفت تا روی سپید بانم. آنان که فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و روشنی رویشان سرمایه جاودانی زندگی ام بوده است. در برابر وجود کرامی تان زانوی ادب بر زمین می نهم و بادی ماللالم از عشق و محبت بردستانشان بوسه می زنم.

به همه کسانی که دوستان دارم.

و تو ای آشنا که ورقی از آن رامی کشایی...

فصل اول: کلیات تحقیق

۱	چکیده تحقیق.....
۲	مقدمه.....
۵	۱-۱-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی.....
۶	۱-۱-۲- ادبیات موضوع.....
۶	۱-۱-۳- ضرورت و اهمیت موضوع.....
۷	۱-۱-۴- روش تحقیق.....
۷	۱-۱-۵- سوالهای تحقیق.....
۸	۱-۱-۶- فرضیه های تحقیق.....
۸	۱-۱-۷- سازماندهی تحقیق.....
۹	۱-۲-۱- مفاهیم تحقیق.....
۹	۱-۲-۲- خاورمیانه بزرگ.....
۱۰	۱-۲-۳- روند صلح.....
۱۱	۱-۲-۴- بازیگران.....
۱۲	زیرنویس ها و یادداشت ها.....

فصل دوم: چهارچوب نظری تحقیق

۱۳	- ایده آلیسم در روابط بین الملل.....
۱۳	۱-۲- اصول ایده آلیسم.....
۱۸	۲-۲- انترناسیونالیسم.....
۲۶	۳-۲- لیبرالیسم.....

۲۸	۲-۳-۱- اصول لیبرالیسم.....
۲۹	۲-۳-۲- حقوق بشر.....
۳۰	۲-۳-۳- برابری.....
۳۰	۲-۳-۴- حکومت قانون.....
۳۱	۲-۳-۵- آزادی فردی.....
۳۲	۲-۳-۶- مالکیت خصوصی و بازار آزاد.....
۳۳	۲-۳-۷- لیبرال دموکراسی.....
۳۴	۲-۴-۴- نظریه صلح دموکراتیک.....
۳۷	۲-۴-۱- کانت و صلح ابدی.....
۴۰	۲-۵-۵- جایگاه صلح در روابط بین الملل و اسلام.....
۴۰	۲-۵-۱- تعریف صلح.....
۴۰	۲-۵-۲- نظریه های صلح.....
۴۶	۲-۵-۳- نظریه های اسلام پیرامون صلح.....
۵۰	زیرنویس ها و یادداشت ها.....

فصل سوم: اسرائیل و مسئله فلسطین

۵۱	۳-۱-۱- تاریخچه فلسطین.....
۵۴	۳-۱-۲- فلسطین در قرون جدید.....
۵۵	۳-۱-۳- پیدایش دولت اسرائیل.....
۵۹	۳-۲-۱- تحولات مهم اروپا و تأثیر آن بر وضعیت یهودیان.....
۶۱	۳-۲-۲- ناسیونالیسم در اروپا.....
۶۲	۳-۲-۳- صهیونیسم.....

۶۳ ۳-۲-۴- صهیونیسم سیاسی
۶۶ ۳-۲-۵- دولت یهودی، حافظ منافع استعمار
۷۰ ۳-۲-۶- صهیونیسم فرهنگی
۷۳ ۳-۲-۷- رقیبان جدی صهیونیسم
۷۳ ۳-۲-۸- افول و فروپاشی امپراتوری عثمانی
۷۵ ۳-۳-۱- قدس و فرآیند صلح
۷۵ ۳-۳-۲- رویکرد تاریخی
۷۸ ۳-۳-۳- تجاوز اسرائیل
۸۳ ۳-۳-۴- پیشنهادهای مطروحه در خصوص اداره قدس
۸۶ ۳-۳-۵- نگرانی های مذهبی در خصوص قدس
۸۸ ۳-۳-۶- فرایند صلح اسلو و مسئله ی قدس
۹۲ ۳-۴- نتیجه گیری
۹۶ زیرنویس ها و یادداشت ها

فصل چهارم: روند صلح و نظام بین المللی و منطقه ای

۹۹ ۴-۱- مقدمه
۱۰۰ ۴-۱-۱- شوروی و مسئله ی فلسطین
۱۰۲ ۴-۱-۲- جایگاه آمریکا در قضیه فلسطین
۱۰۳ ۴-۱-۳- نقش و جایگاه اتحادیه اروپا در روند صلح
۱۰۴ ۴-۱-۴- همکاری های سیاسی اروپا
۱۰۴ ۴-۱-۵- اروپا و وقایع خاورمیانه
۱۰۷ ۴-۱-۶- اعلامیه ونیز و دخالت موثر اروپا در روند صلح

- ۴-۱-۷- دهه ۹۰ و تلاش مجامع بین المللی در روند صلح خاورمیانه ۱۱۰
- ۴-۱-۸- اروپا و گفتگوهای چند جانبه اعراب و رژیم صهیونیستی ۱۱۱
- ۴-۱-۹- اروپا و حضور در تحولات سیاسی خاورمیانه ۱۱۳
- ۴-۲- مسئله ی فلسطین در سیاست های منطقه ای و عربی ۱۱۹
- ۴-۳- تاثیر تحولات نظام بین المللی و منطقه ای بر موضع فلسطینی ها ۱۲۲
- ۴-۴- نتیجه گیری ۱۲۶
- زیرنویس ها و یادداشت ها ۱۲۷

فصل پنجم: نقش ایالات متحده در روند صلح فلسطین و اسرائیل

- ۵-۱- روند تاریخی صلح و نقش ایالات متحده ۱۳۰
- ۵-۱-۱- بوش و نظم نوین جهانی ۱۳۷
- ۵-۱-۲- مولفه های نظم نوین ۱۳۹
- ۵-۱-۳- خاورمیانه و جایگاه آن در نظم نوین جهانی بوش ۱۴۱
- ۵-۱-۴- بوش و فرآیند صلح خاورمیانه در عصر جدید ۱۴۲
- ۵-۱-۵- طرح بوش - بیکر ۱۴۶
- ۵-۱-۶- کنفرانس صلح مادرید ۱۵۲
- ۵-۱-۷- ویژگیهای کنفرانس مادرید ۱۵۶
- ۵-۲-۱- کلینتون و فرآیند صلح ۱۵۸
- ۵-۲-۲- توافق غزه- اریحا ۱۶۳
- ۵-۳- نتیجه گیری ۱۶۶
- زیرنویس ها و یادداشت ها ۱۶۸

فصل ششم:

- نتیجه گیری ۱۷۰

فهرست منابع:

الف: منابع فارسی	۱۷۵
کتاب ها	۱۷۵
مقاله ها	۱۷۷
روزنامه ها	۱۷۸
ب: منابع انگلیسی	۱۷۹
کتاب ها	۱۷۹
مقاله ها	۱۸۰
سایت ها	۱۸۱

چکیده تحقیق:

منطقه استراتژیک خاورمیانه به دلیل دارا بودن انرژی سرشار و موقعیت استراتژیک آن، منطقه ای حساس و حیاتی برای قدرت های بزرگ، به خصوص آمریکا به شمار می رود. ایالات متحده پس از انقلاب اسلامی و حذف گزینه رژیم پهلوی، به نماینده قدرتمندی جهت احراز ژاندارمی منطقه، نیاز اساسی داشته است و در این راستا اسرائیل به دلیل بنیه مالی قوی، جایگزین مناسبی برای این امر محسوب می شود. چرا که در این منطقه به لحاظ تاریخی جنگهای سرزمینی میان اعراب و اسرائیل، منافع حیاتی آمریکا را در خاورمیانه مورد توجه قرار می دهد و آمریکا در جهت تثبیت موقعیت خود، توجه به صلح را در کانون توجه خود قرار داده است. با توجه به سیر تحولات در منطقه خاورمیانه که بیش از سایر نقاط جهان در محافل بین المللی مطرح می باشد، به گونه ای که هر تحولی در این منطقه آثار و پیامدهای زیادی در دیگر مناطق به همراه داشته است، در این تحقیق این سؤال مطرح شده است که ایالات متحده در روند صلح خاورمیانه به دنبال چه اهداف و سیاست هایی بوده است؟ همچنین سؤال دیگری که ذهن را به خود مشغول ساخته است این بوده است که علت ناکامی شکل گیری صلح در منطقه خاورمیانه چه چیزهایی بوده است؟ در جواب سئوالهای مذکور گفته شده است که ایالات متحده در پی تسلط بر مناطق نفت خیز منطقه و به دست گرفتن کنترل شیرهای نفت و به دنبال آن پایین نگه داشتن قیمت نفت و همچنین کنترل و حذف اسلام سیاسی و نیروهای پشتیبان آن و مسلط کردن اسرائیل بر تمامی منطقه استراتژیک خاورمیانه، اساسی ترین سیاست های ایالات متحده بوده است و علت ناکامی روند صلح، عدم توجه آمریکا به تعارضات فرهنگی قومی و مذهبی در این سرزمین و همچنین حمایت گسترده آمریکا از اسرائیل، موج اعتراضات مردمی را در جهان اسلام و تاثیرات سوء و منفی را در شکل گیری افکار عمومی در خصوص انعقاد صلح را به همراه داشته است. در این تحقیق سعی بر آن بوده است که به پارامترهایی چون نقش قدرتهای بزرگ به ویژه ایالات متحده و عوامل بازدارنده شکل گیری روند صلح پرداخته شده است و از سوی دیگر راهکارهایی که از سوی دولتمردان و صاحب نظران ارائه شده است، مورد بررسی قرار گرفته است و شیوه جمع آوری مطالب در این تحقیق به شکل کتابخانه ای بوده است. اهمیت و ضرورت این تحقیق از آن جهت بوده است که امروزه تحولات خاورمیانه، سیاستهای بین المللی و منطقه ای را دچار دگرگونی نموده است و پیامدهای آن چه برای قدرتهای بزرگ و چه برای کشورهای منطقه از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

کلید واژگان: روند صلح، سیاستهای خاورمیانه آمریکا، خاورمیانه بزرگ، بازیگران منطقه ای، منافع

ملی، امنیت ملی، همگرایی

مقدمه

در چند دهه اخیر تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا به عنوان بخشی از برنامه‌ها و سیاست‌های تنش‌زدایی و دستیابی به صلح و آرامش، به جنگ، درگیری و رابطه خصومت آمیز میان کشورهای منطقه غنی، حساس و استراتژیک خاورمیانه، بویژه بین اعراب و اسرائیل خاتمه داده شود.

این امر به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و قرار گرفتن ایالات متحده در موقعیت قدرت بلامنازع جهانی و تقویت احساس سردمداری و رهبری دنیا و همچنین حمله عراق به کویت که در جبهه اعراب تفرقه و شکاف و نهایتاً ضعف شدید ایجاد کرد، ابعاد تازه‌تر و جدی‌تر به خود گرفته و به عنوان بخش حساس سناریوی نظم نوین جهانی آمریکا مطرح گردید. برای دولت آمریکا بسیار مهم بوده و هست که رژیم صهیونیستی به عنوان نماینده و متحد استراتژیک، پایگاه مستحکم و قابل اطمینان غرب، حافظ منافع و اهرم فشار قوی آمریکا علیه دولت‌های منطقه و رشد روزافزون اسلام‌گرایی، در امنیت و ثبات قابل قبولی به سر برد.

بنابراین غرب و در رأس آن آمریکا برای دستیابی به اهداف و منافع خود در منطقه، تمایل و تلاش‌های خود را در قالب مذاکرات صلح خاورمیانه، بویژه مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل - به عنوان محور اصلی مذاکرات صلح خاورمیانه - تحت شعار محوری «مبادله زمین در برابر صلح»، متمرکز و متجلی ساخته است.

در این فرآیند، بازیگران مختلفی وارد صحنه شدند تا منافع خاص خود را دنبال نمایند. آمریکا به دنبال منافع چون حفظ رژیم‌های وابسته و متحد خود در منطقه، تداوم جریان سالم و ارزان نفت و حفظ ثبات و امنیت اسرائیل و ادغام این رژیم در منطقه با ایجاد زمینه عادی‌سازی روابط فی‌مابین اعراب و اسرائیل بوده است. فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، فلسفه وجودی ناتو را به شدت متزلزل و نقش پایگاه استراتژیک و قابل اتکای غرب - اسرائیل - را در منطقه غیر ضروری نمود. بنابراین ساختن یک دشمن جدید در منطقه ضروری به نظر می‌رسید. از یک سو وجود جمهوری اسلامی ایران با گرایش‌های ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی و همچنین تمایلات ج.ا.ا برای مبارزه با استعمار و نفی هر گونه حضور و سلطه جویی قدرتهای بیگانه در منطقه که با منافع آمریکا به شدت منافات داشت و از سوی دیگر رشد اسلام‌خواهی ملت‌های منطقه متأثر از انقلاب اسلامی که دولت‌های وابسته منطقه یعنی یکی از مهمترین منافع

آمریکا را به شدت تهدید می کرد، بهانه کافی جهت ایجاد دشمن جدید تحت عنوان تروریسم دولتی، تروریسم اسلامی، اسلام افراطی، بنیادگرایی اسلامی و غیره، بدست آمریکا داده بود. لذا ایالات متحده برای توجه دادن رژیمهای منطقه به دشمن جدید، باید نگاه خصومت آمیز آنها را از اسرائیل بر می داشت و زمینه این اقدام، حل اختلافات دیرینه اعراب و اسرائیل بود. آمریکا در این راستا به دو اقدام هم زمان و به موازات یکدیگر دست زد: یکی فراهم ساختن زمینه عادی سازی روابط بین اعراب و رژیم صهیونیستی تحت شعار «زمین در برابر صلح» و دیگری دشمن تراشی جدید و قرار دادن دشمن جدید در جای دشمن قدیم و نهایتاً تبدیل دشمن قدیم به دوست و هم پیمان جدید که ضمناً در مرکزیت قرار دارد. این اقدامات در واقع همان ایجاد نظم جدید منطقه ای بوده که بخش حساس و اعظم نظم نوین جهانی آمریکا را در بر می گیرد.

فروپاشی شوروی و حمله عراق به کویت، ضربه شدیدی به جبهه اعراب وارد ساخت و فرصت بسیار استثنایی و طلایی را به آمریکا و اسرائیل داد تا با اعراب به شدت تضعیف شده وارد مذاکره شوند و با دادن کمترین امتیاز و گرفتن حداکثر امتیاز، به چهار دهه خصومت و نگرانی خود پایان دهند.

عوامل و منافع مهم دیگری نیز برای آمریکا و رژیم صهیونیستی در روند صلح مطرح بود که جز با حل و فصل اختلافات و عادی سازی روابط طرفین، تأمین آنها امکان پذیر نبود. منافی مانند پایان یافتن تحریم اقتصادی اعراب علیه اسرائیل، ادغام اسرائیل در اقتصاد منطقه با مرکزیت این رژیم، دستیابی سریع و ارزان اسرائیل به انرژی، نیروی کار، بازارهای پرمصرف و سرمایه گذاری کلان، رهایی غرب و به ویژه آمریکا از کمکهای میلیاردی اقتصادی و نظامی به رژیم صهیونیستی در دوران مخاصمه به منظور حفظ برتری این رژیم در مقابل اعراب، رهایی اسرائیل از هزینه های سنگین نظامی، جلوگیری از تلفات نظامیان و غیر نظامیان اسرائیلی در برابر عملیات نظامی حزب الله در جنوب لبنان، عملیات استشهادی گروههای اسلامی فلسطین و انتفاضه، کاهش یا برطرف ساختن آسیب پذیر شدن عمق استراتژیک اسرائیل در برابر سلاحهای پرتاب شونده که در جریان جنگ خلیج فارس نمایان تر شد، نشان دادن چهره صلح طلبی اسرائیل به دنیا و کسب پرستیژ جهانی و منطقه ای، مهمترین منافی بوده و هستند که آمریکا و اسرائیل به شدت آنها را دنبال می نمایند. در چنین اوضاع و احوالی آمریکا نیز به عنوان قهرمان صلح و ثبات و رهبر منطقه جدید خاورمیانه به منافع حیاتی خود دست می یابد.

در این فرآیند صلح بازیگرانی چون شوروی و سپس روسیه را می بینیم که با ایفای نقش نه چندان قوی، سعی در حفظ منافع و موقعیت خویش دارد. اروپا نیز به عنوان رقیب بزرگ آمریکا در منطقه تلاش دارد تا به منافع خاص خود مانند دستیابی بی واسطه، آسان و ارزان به انرژی و بازارهای پرسود منطقه و بازیگران اصلی صلح را نیز مشاهده می کنیم که هر یک به دنبال منافع خاص خود هستند. اردن به دنبال باز پس گیری سرزمین های اشغالی، منابع آبی بیشتر و تداوم کمکهای اقتصادی و نظامی غرب، سوریه و به تبع آن لبنان، در پی بازپس گیری سرزمین های اشغالی، دستیابی به منابع آبی بیشتر، حفظ رژیم خود و جلوگیری از انزوای سیاسی، ساف نیز پیگیر جلوگیری از انزوای سیاسی و از دست دادن رهبری فلسطین، تشکیل دولت به اصطلاح مستقل فلسطینی در سرزمین های اشغالی ۱۹۶۷ و دریافت کمکها و پاداش های اقتصادی می باشد. بقیه کشورها نیز بر اساس منافع خاص خود هر یک نقش هایی را در این روند صلح ایفا می کنند. مصر به دنبال دریافت کمکها و پاداش های اقتصادی و نظامی بیشتر از غرب و شاید مهمتر از آن بازیابی نقش و پرستیژ از دست رفته خود یعنی رهبری جهان عرب می باشد و سایر کشورهای عربی نیز هر یک برای حل مهمترین مسأله سیاست خارجی خود یعنی حل منازعه اعراب و اسرائیل، به ویژه حل مسأله فلسطین و رهایی از چهار دهه نگرانی و خصومت می باشند.

پدیده دیگری نیز در این عرصه ملاحظه می شود که با آهنگ کلی روند سازش ناهماهنگی دارد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان مخالف و مانع اصلی روند ناعادلانه صلح و پایمال شدن حقوق مسلمانان دنیا و فلسطینی ها از سوی آمریکا رژیم غاصب و غیرقانونی اسرائیل، در مقابل این روند و منافع نامشروع آمریکا و اسرائیل ایستاده و خواهان احقاق حقوق واقعی و عادلانه مسلمانان و فلسطینی هاست. از نظر جمهوری اسلامی ایران، مسأله فلسطین و بیت المقدس از مهمترین مسایل جهان اسلامی می باشد که نایستی به سادگی از کنار آن عبور کرد. در همین راستا گروههایی مانند حزب ا... لبنان و جهاد اسلامی فلسطین که با الهام گیری از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و تحت تأثیر و نفوذ معنوی این انقلاب قرار داشته و این انقلاب را الگو و راهنمای خود می دانند و همچنین حماس که تحت تأثیر جمهوری اسلامی ایران قرار داشته و اهداف و منافع خود را با اهداف و منافع ج.ا.ا همسو می بیند، با پشتیبانی های سیاسی و معنوی ج.ا.ا و همچنین با دلگرمی از سیاست و مواضع قوی و عادلانه ج.ا.ا در برابر

روند ناعادلانه صلح، آهنگ مخالفت با این روند را در پیش گرفته و با اقدامات مؤثر خود، مانع مهمی در برابر روند صلح ایجاد کرده اند. (۱)

شرح و بیان مسئله پژوهشی

آشنایی با شرایط جغرافیایی و سوابق تاریخی_سیاسی و همچنین شناخت دوستان و دشمنان کشور و همسایگان بخشی از مباحث مهم سیاسی می باشد. تامین امنیت و منافع ملی و حتی حفظ هویت و فرهنگ ملی ارتباط تنگاتنگی با مسائل ژئواستراتژیک و ژئواکونومی دارد. از این رو مطالعات و تحقیقات منطقه ای و تحولات آن و اثرات آنها بر هر یک از کشورهای منطقه اهمیت فوق العاده یافته و مورد توجه ویژه مراکز پژوهش استراتژیک می باشد.

خاورمیانه از جمله مناطقی است که به دلایلی که مهمترین آنها موقعیت استراتژیکی و ژئواستراتژیک آن می باشد که بیش از سایر مناطق مورد توجه قرار گرفته است. (۲)

منطقه استراتژیک خاورمیانه به دلیل دارا بودن انرژی سرشار و موقعیت استراتژیک آن، منطقه ای حساس و حیاتی برای قدرت های بزرگ، به خصوص آمریکا به شمار می رود. ایالات متحده پس از انقلاب اسلامی و حذف گزینه رژیم پهلوی، به نماینده قدرتمندی جهت احراز ژاندارمی منطقه، نیاز اساسی داشته است و در این راستا اسرائیل به دلیل بنیه مالی قوی، جایگزین مناسبی برای این امر محسوب می شود. چرا که در این منطقه به لحاظ تاریخی جنگهای سرزمینی میان اعراب و اسرائیل، منافع حیاتی آمریکا را در خاورمیانه مورد توجه قرار می دهد و آمریکا در جهت تثبیت موقعیت خود، توجه به صلح را در کانون توجه خود قرار داده است. آمریکا با بهره گیری از مشکلات موجود در خاورمیانه، در صدد بقای اسرائیل و تکمیل روند صلح خاورمیانه، دسترسی به نفت، ممانعت از ظهور یک دشمن مسلط منطقه ای، جلوگیری از گسترش سلاح های کشتار جمعی، پیشبرد اصلاحات سیاسی و اقتصادی از طریق تحکیم ثبات داخلی و مقابله با هراس پروری است. موضوع ثبات سازی، دگرگونی و اصلاحات همه جانبه در منطقه خاورمیانه، در اوایل قرن بیست و یکم به عنوان دستور کار نخست استراتژی کلان در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و به تبع آن سایر قدرت های بزرگ جهان از جمله اتحادیه اروپا مطرح گردد. به اعتقاد بسیاری از تحلیل گران نگاه آمریکا به خاورمیانه در دوره پس از جنگ جهانی دوم به طور

اعم و در دوره پس از جنگ سرد به طور اخص، نگاهی توأم با خوف و رجا و ترس و امید بوده است، خاورمیانه به طور همزمان برای آمریکا هم عرصه کامیابی و موفقیت و هم عرصه شکست و ناکامی تلقی می‌شود.

لذا در این تحقیق تلاش خواهد شد به بررسی روند مذاکرات صلح تا پایان ریاست جمهوری کلینتون و به بیان علل عدم موفقیت این فرایند و نقش قدرتهای بزرگ به ویژه ایالات متحده پرداخته شود.

ادبیات تحقیق :

در این پژوهش از منابعی چون کتاب بازیگران روند صلح خاورمیانه از دکتر محمد باقر سلیمانی مورد استفاده و مطالعه قرار گرفته است، که در این کتاب به موضع بازیگران مهم سیستم بین‌المللی در خصوص روند صلح میان فلسطین و اسرائیل پرداخته شده است، اما به صورت اختصار نقش ایالات متحده را مورد توجه قرار داده است و در این تحقیق سعی بر آن بوده است که به این نقصان جامه عمل پوشانده شود و به صورت جامع به نقش امریکا در روند صلح پرداخته شود.

از منابع مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، آمریکا و خاورمیانه از دکتر جواد منصوری میباشد که در این کتاب به سیاست‌های بین‌المللی آمریکا، طرح خاورمیانه بزرگ، اهداف و استراتژی امریکا در خاورمیانه، روابط امریکا با کشورهای منطقه و همچنین قضیه فلسطین و حمایت‌های امریکا از اسرائیل پرداخته شده است، اما تاکید بیشتر این کتاب بر موضوعاتی چون موقعیت امریکا و سطح همکاری آن با کشورهای منطقه و چالشهای فرا روی آن می‌باشد و به همین دلیل موضوع مناقشه فلسطین و اسرائیل به شکل اجمالی مورد توجه قرار گرفته است و در این پژوهش تلاش شده است به مناقشه فلسطین و اسرائیل و عوامل شکل‌گیری دولت اسرائیل در منطقه خاورمیانه به طور مبسوط پرداخته شود.

ضرورت و اهمیت موضوع:

موضوع ضرورت اصلاحات و دگرگونی در خاورمیانه به ویژه پس از جهان دو قطبی به طور مکرر مورد تأکید رهبران و سیاستمداران آمریکایی و سایر قدرت‌های بزرگ غربی قرار گرفته است. به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران نگاه آمریکا به خاورمیانه در دوره پس از جنگ جهانی دوم به طور اعم و در دوره

پس از جنگ سرد به طور اخص، نگاهی توأم با خوف و رجا و ترس و امید بوده است، خاورمیانه به طور همزمان برای آمریکا هم عرصه کامیابی و موفقیت و هم عرصه شکست و ناکامی تلقی می‌شود. بسیاری از رهبران و نخبگان فکری آمریکا همانند اسلاف انگلیسی‌شان همچنان شرایط سیاسی و اقتصادی منطقه خاورمیانه را بسیار با اهمیت تلقی می‌کنند و معتقدند که فرمانروایی بر جهان مستلزم فرمانروایی بر خاورمیانه است. به همین دلیل طرح خاورمیانه بزرگ در سابقه تاریخی خود از ادبیات گسترده و وسیعی بهره می‌برد.

اهمیت و ضرورت این موضوع باعث شده است که امروزه تحولات خاورمیانه، سیاستهای بین‌المللی و منطقه ای را دچار دگرگونی نموده است و پیامدهای آن چه برای قدرهای بزرگ و چه برای کشورهای منطقه از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش به شکل تبیینی خواهد بود و همچنین روش گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه ای خواهد بود .

سئوالات تحقیق:

با توجه به سیر تحولات در منطقه خاورمیانه که بیش از سایر نقاط جهان در محافل بین‌المللی مطرح می‌باشد، به گونه ای که هر تحولی در این منطقه آثار و پیامدهای زیادی در دیگر مناطق به همراه داشته است.

این سؤال مطرح می‌شود که ایالات متحده چه نقشی را در روند مذاکرات صلح ایفا کرده است؟ همچنین سؤال دیگری که ذهن را به خود مشغول می‌سازد این می‌باشد که علت کندی روند صلح در منطقه خاورمیانه چیست؟

فرضیه های تحقیق:

شاید در جواب سؤال مذکور بتوان گفت که امریکا بر خلاف شوروی و اتحادیه اروپا، نقش مهم تر و سازنده تری را در روند مذاکرات صلح ایفا کرده است که از شاخص های عمده آن برگزاری کنفرانس های متعدد و ارائه طرح های گوناگون صلح بوده است.

عوامل مختلف درون ملی و منطقه ای و بین المللی، باعث کندی روند صلح شده است از جمله تندروی های اسرائیلی ها و تقابل درونی فلسطینی ها، عدم توجه آمریکا به تعارضات فرهنگی قومی و مذهبی در این سرزمین، حمایت گسترده آمریکا از اسرائیل، اعتراضات مردمی در جهان اسلام و تاثیرات سوء و منفی آن در شکل گیری افکار عمومی در خصوص انعقاد صلح. که با توجه به نقش ایالات متحده در این پژوهش، به عوامل مربوط به امریکا و موضع گیری آن پرداخته شده است.

سازماندهی تحقیق:

این پژوهش در شش فصل سازماندهی شده است. در فصل اول به کلیات تحقیق اشاره می شود که شامل شرح و بیان مسئله پژوهشی، سوالات تحقیق، فرضیه ها، و مفاهیم تحقیق می باشد. فصل دوم، چهارچوب نظری تحقیق را عنوان می کند که به تئوری هایی چون ایده آلیسم، انترناسیونالیسم، لیبرالیسم، نظریه صلح دموکراتیک و جایگاه صلح در روابط بین الملل و اسلام پرداخته شده است. فصل سوم به مسائل اسرائیل و فلسطین می پردازد که شامل چگونگی شکل گیری دولت اسرائیل و عوامل تحکیم آن و همچنین مسئله قدس می باشد. در فصل چهارم، روند صلح از دیدگاه بین المللی و منطقه ای بررسی می شود و به موضع بازیگرانی چون چین، شوروی، امریکا و اتحادیه اروپا در خصوص منازعه فلسطین و اسرائیل پرداخته شده است. فصل پنجم، نقش ایالات متحده در خصوص روند صلح مورد مطالعه قرار می گیرد که به سیاست های بوش در قالب نظم نوین جهانی و فرآیند صلح در دوران وی و همچنین در دوران کلینتون اشاره شده است. در پایان، فصل ششم به نتیجه گیری کلی و یافته های این تحقیق پرداخته شده است.

مفاهیم تحقیق:

خاورمیانه بزرگ

به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، «منطقه خاورمیانه» پس از فروپاشی شوروی یکی از مهمترین موانع در جهت تثبیت رهبری جهانی آمریکا بوده است. در همین راستا طی سال های اخیر رهبران آمریکا تلاش نموده اند که با ارائه و اجرای طرح های فراگیر ساختار عینی و ذهنی خاورمیانه را دچار تحول کنند، در همین راستا بود که ایالات متحده در جریان طرح «پاول» دموکراسی را برای خاورمیانه پیشنهاد کرد. طرحی که اگر چه با آن شروع شد اما در نهایت به طرح خاورمیانه بزرگ ختم شده است. طرح خاورمیانه بزرگ در واقع منعکس کننده امیدواری ها و برنامه ریزی های این کشور برای ایجاد تغییرات بنیادین، فراگیر و درازمدت در این منطقه در چارچوب استانداردها و معیارهای آمریکایی می باشد.

پیشنهاددهندگان این طرح با استفاده از عبارت ها و واژه هایی مانند فقدان آزادی، سطح نازل دانش و جایگاه نامناسب زنان در کشورهای خاورمیانه چنین نتیجه گیری می کنند که «هر چه تعداد افراد محروم از حقوق سیاسی و اقتصادی در منطقه افزایش یابد به همان میزان تروریسم، جنایات سازمان یافته و مهاجرت غیرقانونی نیز افزایش می یابد.

محورهای اصلی طرح خاورمیانه بزرگ عبارتند از:

۱- ترغیب به دموکراسی و حکومت های شایسته، مبنی بر اینکه این کشورها باید از آزادی بیان، انتخابات آزاد و حق تعیین سرنوشت برخوردار باشند.

۲- برقراری یک جامعه آگاه و دارای معرفت علمی (جامعه فرهیخته)

۳- توسعه فرصت های اقتصادی

در این طرح برای دستیابی به هر یک از این اهداف، مجموعه ای از راهکارها ارائه شده است: کوشش برای برگزاری انتخابات آزاد، دیدارهای متقابل نمایندگان پارلمان های این کشورها با یکدیگر و انتقال تجربیات در زمینه آزادی های سیاسی، حمایت از مؤسسات آموزشی در این کشورها به خصوص آموزش مدیریت به زنان، کمک های حقوقی به شهروندان کشورهایایی که در محدوده این طرح هستند به منظور دفاع مؤثر از حقوق خود، تأسیس رسانه های جمعی مستقل اعم از مطبوعات و رادیو و تلویزیون

خصوصی و مستقل که بتواند حرف خود را جداگانه و خارج از حیطه دولت‌ها بزنند. کمک به تشکیل جامعه مدنی و نهادهای مدنی در این کشورها از جمله راهکارهای پیش‌بینی شده در این طرح برای ایجاد اصلاحات سیاسی مورد نظر می‌باشند.

در بخش فرهنگی طرح یعنی در رابطه با تشکیل جامعه آگاه و برخوردار از معرفت علمی نیز راهکارهایی چون مقابله با بی‌سوادی، اصلاح کمک‌درسی (پس از وقایع ۱۱ سپتامبر فشارهای زیادی توسط آمریکا بر کشورهای اسلامی برای تغییر محتوای کتب درسی صورت گرفته و به نحوی که افکار جهادی و مقابله با سیاست‌های آمریکا تبلیغ نشود)، مدون‌سازی روش‌های آموزشی و انجام اصلاحات آموزشی، گسترش اینترنت و آموزش مدیریت‌های حرفه‌ای، جزء مواردی است که به آن‌ها پرداخته شده است.

در بخش سوم طرح یعنی گسترش فرصت‌های اقتصادی، بحث‌های عمده عبارت است از: ایجاد یک نقطه آزاد تجاری، کمک به رشد فعالیت‌های تجاری، تشویق همکاری‌های اقتصادی این کشورها با غرب، کاهش تسلط دولت بر خدمات مالی در این کشورها، رفع موانع در مورد گسترش همکاری‌های بازرگانی میان این کشورها، مدرن‌سازی خدمات بانکی، بهبود ابزارهای حمایت‌کننده از اقتصاد بازار، تغییر ساختارهای مالی و تأسیس بانک بین‌المللی توسعه خاورمیانه، از دیدگاه دولت فعلی آمریکا، طرح خاورمیانه بزرگ، یک طرح جدی است. اما به هر حال واجد تناقضات و تضادهای زیادی نیز هست. در این میان آنچه جالب بنظر میرسد این است که در طرح آمریکا اصلاح بحثی از منازعه اعراب و اسرائیل وجود ندارد. مسئولان آمریکایی تأکید می‌کنند که این سند جایگزین طرح صلح اعراب و اسرائیل نخواهد بود و نمی‌توان اصلاحات را در گرو پیشرفت روند صلح خاورمیانه قرارداد. (۳)

روند صلح:

در چند دهه اخیر تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا به عنوان بخشی از برنامه‌ها و سیاست‌های تنش‌زدایی و دستیابی به صلح و آرامش، به جنک، درگیری و رابطه خصومت‌آمیز میان کشورهای منطقه غنی، حساس و استراتژیک خاورمیانه، به ویژه بین اعراب و اسرائیل خاتمه داده شود.

این امر به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و قرار گرفتن ایالات متحده در موقعیت قدرت بلامنازع جهانی و تقویت احساس سردمداری و رهبری دنیا و همچنین حمله عراق به کویت که در جبهه

اعراب تفرقه و شکاف و نهایتاً ضعف شدید ایجاد کرد، ابعاد تازه تر و جدی تر به خود گرفته و به عنوان بخش حساس سناریوی نظم نوین جهانی آمریکا مطرح گردید.

بازیگران:^۱

منظور از بازیگران عبارت است از افراد، واحدهای سیاسی و یا گروههایی که بعنوان عضوی از جامعه ملی و یا بین المللی با عملکردهای مختلف شان به ایفای نقش پرداخته و بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بر نظام بین المللی تأثیر گذاشته و یا از این نظام تأثیر می پذیرند. نظریه های مختلفی از اندیشمندان مختلف در مورد بازیگران صحنه بین المللی بیان شده که حاکی از دیدگاهها و برداشتهای آنان از انسان، جهان، نظام بین المللی، محیط ملی، اهداف، منافع و ارزشهای ملی، قدرت و ابزار اعمال قدرت می باشد. دامنه برد، کیفیت، عمق و نتیجه نقشی که بازیگران ایفا می کنند، متفاوت است. بازیگران ممکن است به طور مستقیم و یا غیر مستقیم (از طریق دولت متبوع) بر محیط خارجی تأثیر بگذارند. بازیگری ممکن است فقط بر یک و یا حداکثر چند کشور منطقه تأثیر بگذارد و یا اینکه کل نظام بین المللی و جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار بدهد. این تأثیر شاید عمیق و یا سطحی باشد. نقشی که بازیگران ایفا می کنند ممکن است مثبت و سازنده و یا منفی و مختل کننده باشد. نقش بازیگران گاهی به همگرایی، اتحاد، صلح و همکاری بین دو یا چند واحد سیاسی و گاهی هم به واگرایی، تفرقه، تنش، تعارض و جنگ منجر می شود.

نقشی که بازیگران ایفا می کنند بر اساس دیدگاهها، باورها، اعتقادات، ارزشها و منافع حیاتی (مادی و غیر مادی، بالقوه و بالفعل) بازیگران، شکل گرفته و جامعه عمل به خود می گیرد. (۴)

¹ . Actors.